

## بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران

دکتر اکبر مجدالدین\* و احمد رضا جمالی\*\*

### مفاهیم کلیدی:

خانواده، ازدواج، افزایش سن ازدواج، دختران، روستا.

### چکیده:

بسیاری از جامعه‌شناسان خانواده را مهمترین نهادی دانسته‌اند که به‌عنوان سلول‌های تشکیل دهنده جامعه، در سلامت و عدم سلامت آن جامعه بسیار تاثیر گذار می‌باشد. همان‌طور که می‌دانیم عامل پیدایش خانواده ازدواج است. پس سلامت جامعه و خانواده وابسته به ازدواجی سالم و پر دوام است. بنابراین پرداختن به موضوع ازدواج و موانع و مشکلات بر سر راه آن، به‌عنوان یک مسئله اجتماعی نیازمند تحقیق و بررسی می‌باشد.

در این مقاله نیز که بر گرفته از پژوهشی تحت عنوان "بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران در روستاهای شهرستان آشتیان در سال ۱۳۸۵" می‌باشد، سعی می‌شود با رویکردی تحلیلی-انتقادی به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بالا رفتن سن ازدواج دختران روستایی و آثار ناشی از آن پرداخته شود. چرا و چگونه زندگی در محیط روستایی و مشکلات اجتماعی ناشی از آن مانند: فقر اقتصادی و بیکاری، منجر به مهاجرت، ازدواج و سکونت دائم پسرهای روستایی در شهرها و عدم تعادل جنسی در روستاها می‌شود، به‌نحوی که باعث افزایش تعداد دختران مجرد ساکن در روستاها و تاخیر در سن ازدواج آنها شده و ممکن است، افزایش آسیبها و انحرافات اجتماعی بدنبال داشته باشد.

---

\* عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

\*\* کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد آشتیان

## مقدمه

خانواده را مهمترین نهادی دانسته‌اند که جامعه را تغذیه کرده و در سلامت و عدم سلامت آن موثر است. محیط خانواده در شکل‌گیری شخصیت و روند اجتماعی شدن افراد جامعه بسیار تاثیرگذار است. خانواده در تهذیب اخلاق و جهت دادن افراد به سوی انسانیت و پرورش و تکوین شخصیت آنان می‌تواند نقش فوق‌العاده‌ای را ایفا کند.

درادبان مختلف خصوصاً اسلام، خانواده و تشکیل آن را برای حیات اجتماعی بسیار مهم می‌دانند چنانکه جوانان را به تشکیل خانواده و امر ازدواج تشویق می‌کنند.

بسیاری از جامعه‌شناسان همانند کنت و کولی خانواده را اولین واپسده آل‌ترین مثال برای گروه‌های نخستین و مهمترین مرحله جامعه‌پذیری افراد می‌دانند. هرچند تمامی جامعه‌شناسان براهمیت خانواده در حیات اجتماعی تاکید دارند ولیکن این مفهوم هنوز هم یکی از پرابهام‌ترین مفاهیم در این علم بشمار می‌رود.

عامل پیدایش خانواده ازدواج است و خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، فرایندی از کل جامعه است. بنابراین در یک جامعه ناسالم، خانواده نیز خودبخود ناسالم خواهد بود و برعکس. در سلامت سلول‌های تشکیل دهنده جامعه، از جمله خانواده، جامعه نیز از سلامت کامل برخوردار خواهند بود.

در نتیجه ازدواج سالم خانواده سالم را می‌سازد و خانواده سالم جامعه سالم را بوجود می‌آورد. پس سلامت جامعه و خانواده وابسته به ازدواجی سالم و مفید است.

بنابراین پرداختن به موضوع ازدواج، موانع و مشکلات بر سر راه آن، به‌عنوان یک مسئله اجتماعی نیازمند تحقیق و بررسی می‌باشد.

مقاله پیش روی در نظر دارد دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستاهای شهرستان آشتیان را در سال ۱۳۸۵ بررسی نماید.

هدف از این مقاله شناخت عوامل اجتماعی موثر بر بالا رفتن سن ازدواج دختران روستایی و آثار ناشی از آن است، یعنی در این مقاله بررسی می‌شود که چرا و چگونه زندگی در محیط روستایی و مشکلات اجتماعی ناشی از آن مانند: فقر اقتصادی و بیکاری، منجر به مهاجرت، ازدواج و سکونت دائم پسرهای روستایی در شهرها و عدم تعادل جنسی در روستاها می‌شود، به‌نحوی که باعث افزایش تعداد دختران ساکن در روستاها و تاخیر در سن ازدواج آنها شده و منجر به افزایش آسیبها و انحرافات اجتماعی گردیده است.

جامعه‌شناسان با اعتقاد به خصلت اجتماعی ازدواج و مشاهده‌ی اینکه در اجتماعی بودن آن نوعی ویژگی محسوس است که آن را از روانی بودن و زیستی بودن متمایز می‌نماید و به آن

طبیعت خاصی می‌بخشد که تبیین ویژه‌ای را ایجاد می‌کند، ازدواج را در کلیت و تمامیت آن مورد مطالعه قرار می‌دهد. این مقاله نیز در قالب علم پژوهش اجتماعی بدنبال علل و دلایل تاخیر در سن ازدواج دختران روستایی در ایران می‌باشد و از نظریه‌های مختلف علمی در این راه بهره می‌گیرد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

### ۱-۱-۲) تئوری تورم رکودی<sup>۱</sup>

براساس آمار و اطلاعات بدست آمده در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی ازدواجها به تاخیر می‌افتند و یا اصلاً منتفی می‌شوند. حال آیا ایران با چنین دوره‌هایی روبرو بوده است، نیاز به تئوریهای موجود در علم اقتصاد دارد تا حقایق مربوط به این پدیده را بهتر روشن نماید. یکی از مهمترین تئوریها تئوری تورم رکودی می‌باشد. (بهنام، ۱۳۴۸، ۲۲)

یکی از معضلات عمده‌ی کشورهای در حال گذار، تورم و رکود ساختاری است. رشد بهداشت و رفاه عمومی، نرخ مرگ و میر را کاهش داده و باعث رشد بالای جمعیت در کشور می‌شود. نرخ رشد جمعیت و پیشرفت نسبی امکانات جمعی تقاضای کل را افزایش داده و تورم ساختاری را ایجاد می‌کند. (تقوی، ۱۳۷۶، ۱۴۲)

جوامعی که در حال گذار بوده‌اند در ابتدا توسعه صنعتی می‌باشند از سن متوسط ازدواج بالایی برخوردارند که این پدیده در کشورهای ژاپن، هند، آمریکا و کشورهای غربی مشاهده شده است. شاید در سطح کلان عامل اصلی بالا رفتن سن ازدواج ناشی از وجود ساختار اقتصادی در حال گذار در این کشورها می‌باشد زیرا همواره در ابتدا دوره‌ی رشد صنعت و به دنبال آن امکان آزادی فردی و کاهش حضور والدین در امر ازدواج و پایین بودن سطح زندگی و نیز وجود بیکاری سن متوسط ازدواج بالا می‌باشد. (میشل، ۱۴۶)

افزایش بحرانهای سیاسی و اقتصادی، و مولفه‌های مهم تورم رکودی چون حجم نقدینگی، تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظارات اثرات منفی بر سن ازدواج جوانان گذاشته و موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی در سر راه ازدواج جوانان بوجود آورده است.

بنابراین تئوری تورم رکودی صرفاً به یکی از ابعاد موانع عمده‌ی ازدواج که وجه اقتصادی آن می‌باشد پرداخته ولی این تئوری از تامیت و جامعیت کافی برخوردار نیست. زیرا هر چند موانع اقتصادی مانند نحوه امرار معاش و گذران زندگی و داشتن سر پناه و مسکن برای آغاز و

شروع یک زندگی مهم است، ولی این عوامل باعث، ایجاد موانعی دیگر به عنوان علل ودلایل بازدارند ازدواج خصوصاً در روستاهای ایران شده است. از این رو عواملی چون میزان تحصیلات، مهریه، جهیزیه، آداب و رسوم مراسم ازدواج، عدم قناعت پذیری و غیره اکنون به صورت یک پدیده در پشت مشکلات اقتصادی قرار گرفته و عرض اندام می‌نماید. یکی از اساسی‌ترین مشکلات اقتصادی در هر جامعه‌ای مسئله اشتغال است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

## ۲-۱-۲) تئوری فونکسیونالیسم ساختی<sup>۱</sup>

یکی از تئوریهای مهمی که می‌توان در تحلیل موانع ساختاری ازدواج استفاده نمود نظریه نظام اجتماعی پارسونز می‌باشد، هر چند در چهار چوب فونکسیونالیسم ساختی صریحاً به این وجه اشاره نشده است ولی میتوان مشکلات ازدواج را با توجه به اختلال یا عدم تعادل بین خرده نظام اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرارداد.

در مدل پارسونز چهار خرده نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام یافته است که در ارتباط بایکدیگر هستند و به ترتیب عهده دار کارکرد حفظ وتداوم الگوها<sup>۲</sup>، نیل به اهداف<sup>۳</sup>، انطباق با شرایط محیطی<sup>۴</sup> ایجاد یگانگی وانسجام اجتماعی<sup>۵</sup> می‌باشند. البته این مدل انتزاعی بوده و در همه سطوح کلان و میانه و حتی گروه‌های کوچک قابلیت تعمیم دارد و در هر خرده نظام نیز می‌توان این چهار کارکرد را جستجو نمود. (صدیق، ۱۳۷۴، ۳۹)

پارسونز در مورد فرآیند هسته ای شدن خانواده به اهمیت شغل پرداخته و براساس متغیرهای الگوی خویش اهمیت آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می‌داند به نظر وی از اثرات پیچیدگی نظام این است که از شغل یک رکن اصلی پایگاه اجتماعی می‌سازد. از طرف دیگر پایگاه شغلی یک فرد عموماً حاصل یک فرآیند طولانی سرمایه گذاری و آموزش می‌باشد. در مسیر تطور جوامع صنعتی لحظه ای فرا می‌رسد که خانواده عموماً دیگر از لحاظ پایگاه شغلی منشاء هیچ کمکی برای فرد نمی‌باشد. (بودن، ۱۳۷۰، ۱۱۱)

به این ترتیب شغل در سن ازدواج موثر است. جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند از عهده‌ی تامین معاش خانواده طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود برخوردار خواهند شد و چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی مثلاً بیست تا بیست و پنج سالگی درآمد کافی داشته باشند لذا نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند. در طبقات مرفه کشورهای صنعتی جوانان به

1-Structural functionalism

2-Latency

3-Goal attainment -

4-Adaptation

5-Integration

ندرت قبل از ۲۸ یا ۳۰ سالگی قادر هستند به شغلی که دلخواهشان است دسترسی پیدا کنند، خصوصاً اگر خود را برای مشاغل عالی که نیازمند تحصیلات طولانی است آماده کنند. در صورتی که کارگران ماهر از ۲۱ تا ۲۳ سالگی و کارگران غیر ماهر از ۱۸ سالگی شروع به کار می‌کنند در نتیجه سن ازدواج برای طبقات مرفه بالاتر ولی برای طبقات تحتانی پایین‌تر است شاید بتوان گفت هر قدر سطح زندگی پایین‌تر باشد ازدواج زود رس‌تر خواهد بود. (بهنام، ۲۲۱)

در ایران، نظام مشاغل جدید در برابر مشاغل سنتی آن‌طور طراحی شده که عموماً از کانال نظام آموزشی می‌گذرد که خود سالهای طولانی وقت در نهادهای مربوطه را می‌طلبد که این امر فی‌نفسه باعث بالا رفتن سن ازدواج و تاخیر در بلوغ اقتصادی فرد می‌گردد به علاوه فقدان برنامه ریزی جامع اشتغال، آموزش سبب می‌شود که سازمانهای آموزشی (مربوط به خرده نظام فرهنگی) اقدام به ارائه آموزشهای غیر متناسب با بازار کار نمایند که این امر طبعاً تقاضای کاذب برای آموزش ایجاد کرده و در یک دوره زمانی جامعه بدون اینکه فرصتهای شغلی جدید بوجود آورد با پدیده‌های آموزشی اضافی روبرو می‌شود که این امر اثرات نامطلوبی بر روی سن ازدواج می‌گذارد.

همان‌طور که ملاحظه شد ازدواج و تشکیل خانواده حاصل تعامل تمامی خرده نظام‌های جامعه با یکدیگر است چنانچه برای ازدواج می‌بایست شغل (درآمد) و مسکن مناسب مهیا گردد که لازمه آنها، تحصیل (آموزش) و کسب تخصص است. که در ادامه به این مقوله در ایران و به‌ویژه در جامعه روستایی ایران پرداخته خواهد شد:

### ۳-۱-۲) نظریه «بلاو» و «دانکن»

«بلاو و دانکن دو صاحب نظر و محقق مشهور آمریکایی در مطالعات تحرک اجتماعی سال ۱۹۶۷ نظریه ای نیز درباره نقش خانواده در تحرک اجتماعی ارائه داده‌اند آنها معتقدند که عوامل تحرک اجتماعی نزولی منحصر به ازدواجهای زودرس و داشتن فرزند زیاد نیست. بلکه داشتن خانواده بزرگ نیز از عوامل تحرک اجتماعی نزولی محسوب می‌گردد، به نظر این دو صاحب نظر، افرادی که دارای تحرک اجتماعی صعودی بوده‌اند از آنهایی که یا تحرک اجتماعی نداشته و یا گرفتار تحرک اجتماعی نزولی گردیده‌اند، فرزندان کمتری داشته‌اند به نظر آنان تأخیر در ازدواج عامل اصلی این تفاوت می‌باشد.

از دیدگاه بلاو و دانکن، بیشتر افرادی که در مسیر تحرک اجتماعی صعودی قرار می‌گیرند ازدواج در سنین بالا را ترجیح می‌دهند واز آنجا که هر چه زن و شوهر مسن‌تر باشند، دوران باروری آنان کوتاه‌تر خواهد بود، در نتیجه فرزندان کمتری نیز خواهند داشت و همچنین نه تنها

داشتن یک خانواده بزرگ بر موفقیت‌های شغلی فرزندان نیز کاهش می‌یابد و امکان موفقیت شغلی فرزندان در خانواده‌هایی به حداکثر می‌رسد که فقط یک یا دو فرزند دارند اما در خانواده‌های بزرگ اولین و آخرین فرزندان، بالاترین امکان و فرصت را برای کسب موفقیت دارند. این دو صاحب نظر دلیل این امر را ناشی از چگونگی توزیع منابع خانواده، به ویژه منابعی که پیشرفت‌های تحصیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (با فرض اینکه سایر عوامل ثابت و مساوی باشند) می‌دانند، هر چه تعداد فرزندان کمتر باشد سهم آنان در بهره‌مند شدن از توجه، مراقبت، رسیدگی و کمک‌های مالی خانواده بیشتر خواهد.

«بلاو و دانکن این نتیجه کلی را بیان می‌دارند که فرزندان خانواده‌های بزرگ دارای امکانات و موفقیت‌های تحصیلی کمتری بوده و بنابراین موفقیت‌های شغلی ناچیز نیز بدست می‌آورند، و در خانواده‌های از هم پاشیده (بر اثر طلاق یا مرگ والدین) نیز به دلیل اینکه منابع مادی و عاطفی کاهش می‌یابند فرزندان این خانواده‌ها از موفقیت‌های تحصیلی و شغلی محدودتری برخوردار می‌شوند. (هلاکوئی، ۱۳۶۵، ۲۶۳)

بنابراین داشتن خانواده‌های بزرگ در نسل گذشته روستایی و جمعیت بالای خانواده‌ها در روستا می‌تواند منجر به عدم دسترسی تمامی اعضای خانواده به تحصیلات مناسب گردد این امر زمانی شدت می‌گیرد که نظام اجتماعی نیز دچار عدم هماهنگی شده باشد و چنانچه اشاره شد خرده نظام‌های موجود در جامعه، کارکردهای مطلوبی نداشته باشند. در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود:

#### ۴-۱-۲) تئوری راه‌ها و اهداف "وبر" و "مرتین"

ازدواج هنگامی رخ می‌دهد که جامعه براساس اصل اول جامعه‌شناسی یعنی اصل اهداف و راه‌ها (G.M.G) بتواند اهداف مشترک فرهنگی و راه‌های وصول به آنها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد. (تنهائی، ۱۳۸۲: ۷۱)

براساس مدل وبر می‌توان ساخت دو سنخ جامعه عقلانی - حقوقی و سنتی را مبتنی بر اصل راه‌ها و اهداف دان‌است و از هم تفکیک نمود. اختلال و گسستگی که در راه‌ها و اهداف در دو سنخ ارزشی و عاطفی وجود دارد، بیانگر آن است که هیچ‌گونه سنخ ایده‌آلی از یک جامعه سالم را نمی‌سازند.

بر پایه این دیدگاه، هرگاه راه‌ها و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا بطور کلی‌تر در ساختار جامعه، هماهنگ باشند، مثلاً "هر دو کنش راه‌ها و اهداف سنتی را دنبال نمایند و یا هر دو عقلانی - حقوقی باشند آن جامعه دچار مشکل نخواهد بود ولی چنانچه اهداف ارزشی و یا

عاطفی باشند ولی راههای وصول به آنها عقلانی باشد دیگر با یک جامعه متعادل و هماهنگ روبرو نخواهیم بود. (تنهائی ۱۳۸۲- ۷۶) و این همان اتفاقی است که درباره موضوع پیش رو یعنی پدیده ازدواج در ایران می‌تواند رخ داده باشد.

به‌طوریکه ازدواج به‌عنوان یک هدف ارزشی، عاطفی و یا حتی سنتی در جامعه اسلامی امروز ایران مطرح می‌شود. اما راهها و امکانات رسیدن به آن کاملاً عقلانی و بر اساس اهداف و شرایط متغیر و مصرف‌گرایانه نظام سرمایه‌داری در جهان امروز استوار شده است که همین امر منجر به آشفته‌گی و بی‌سامانی در جامعه کنونی ایران گشته که آثار زیان‌باری را به دنبال دارد. که می‌توان افزایش سن ازدواج دختران روستاهای ایران را نیز حاصل این ناهماهنگی دانست.

جامعه‌شناس برجسته مکتب ساخت‌گرا- کارکرد گرایانسی آمریکایی- رابرت کی‌مرتن- نیز معتقد است که بی‌سامانی و ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که هماهنگی میان راهها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود جامعه ناسالم خواهد بود. وی بر این اساس تحلیلی ارائه می‌دهد مبنی بر این نکته که پیدایش و استمرار هر ساخت اجتماعی اعم از هم‌نوا<sup>۱</sup> و یا کجرو<sup>۲</sup> منوط به چگونگی عملکرد روابط و هماهنگی میان راهها و اهداف است پس می‌توان نتیجه گرفت که در جامعه ایران پدیده اجتماعی ازدواج به‌عنوان یکی از اهداف جامعه با راهها و وسایل مورد نیاز جهت رسیدن آن هماهنگ نیست.

به شکلی که اگر کسی بخواهد ازدواج کند مجبور است از راهی عبور کند که امروزه نظام سرمایه‌داری به او تحمیل کرده است، راهی که عقلانی، محاسبه‌گرانه و دقیق باشد. یعنی باید تسلیم شرایط و برنامه‌های مصرف‌گرایانه نظام سرمایه‌داری شود و سالیان طولانی هزینه‌های آن را بپردازد.

چنین گسستی میان اهداف و راههای جامعه طبق نظریه مرتن، جامعه را دچار بی‌سامانی می‌کند، که حاصل آن بوجود آمدن افراد کجرو در چهار گروه مختلف است.

بنابراین بر اساس آنچه از تلفیق نظریه‌های ماکس وبر و رابرت کی‌مرتن بدست می‌آید می‌توان نتیجه گرفت که در روستاهای ایران امکان دستیابی به راهها و وسایل مورد نیاز در جهت وصول به هدف ارزشمند، و پر اهمیت ازدواج بسیار ضعیف است و در بین هدف و راههای رسیدن به آن گسست قابل تاملی ایجاد شده است. که در میان دختران و جنس مونث نمود بسیار بحران‌زایی از خود نشان می‌دهد چرا که زنان جامعه روستائی به دلیل نداشتن استقلال اجتماعی و اقتصادی و کم ارزش بودن خود در جامعه مرد سالار و پدر سالار حاکم بر جوامع روستائی امکان

نوآوری، شورش و گرایش‌های انحرافی را کمتر داشته و بیشتر در قلمرو هم‌نوایان و رسم‌گرایان و منزویان جامعه قرار می‌گیرند. یعنی این امکان و آزادی را ندارند که همانند پسران در راستای کسب تخصص و شغل مهاجرت کنند و با محدودیت‌های فراوانی روبرو هستند. در مورد این موضوع مباحثی در قالب نظریه‌های فمینیستی وجود دارد که به مساله تبعیض علیه زنان می‌پردازد، و نتیجه آن همان عدم دسترسی جنس مونث به فرصتهایی است که در اختیار مردان است که در مورد موضوع پیش روی می‌توان به آزادی پسران روستایی به جهت مهاجرت به شهرها اشاره کرد.

هنگامی که پسران روستایی در راه کسب علم، تخصص و شغل مناسب به شهرها مهاجرت می‌نمایند و با یک تحرک طبقاتی صعودی به پایگاه اجتماعی بالاتری ارتقاء می‌یابند دیگر حاضر نیستند با دخترانی در اقصاء و طبقات پائین‌تر خود در روستاها ازدواج نمایند و به همسان همسری و ازدواج با دختران شهری تمایل پیدا می‌کنند.

#### یافته‌ها:

در این تحقیق، دریافتیم که مهاجرت به عنوان مهمترین عامل در بالا رفتن سن ازدواج دختران روستایی تأثیر دارد به این معنا که هر چه مهاجرت پسران به شهرها بیشتر شود، به همان اندازه در بالا رفتن سن ازدواج دختران تأثیر دارد.

امکان مهاجرت بیشتر در بین پسران، ادامه تحصیل را نیز برای آنها ممکن می‌سازد و همین عامل نیز باعث می‌گردد پسران از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار گردند و دایره همسرگزینی آنها گسترده‌تر می‌شود، در صورتیکه برای دختران این امکان فراهم نیست.

متغیر مهاجرت با هزینه‌های اقتصادی نیز مرتبط بوده و پسران بعد از مهاجرت توانایی مالی بیشتری به دست می‌آورند، با توجه به اینکه در فرضیات، رابطه بالا رفتن سن ازدواج دختران با افزایش آسیب‌های اجتماعی مد نظر بوده، این فرضیه نیز مورد تأیید قرار گرفته است و با بالا رفتن سن ازدواج دختران آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

مشکلات فرهنگی (اختلافات محلی روستا، آداب و رسوم، توجه به مادیات و...) باعث بالا رفتن سن ازدواج دختران شده است، همچنین آداب و رسوم خاص روستایی باعث افزایش مهاجرت و متعاقب آن باعث افزایش سن ازدواج در روستاها شده است.



## نتیجه گیری:

بر اساس نظریه پارسنز هر جامعه‌ای برای آنکه بتواند در عملکرد خود به عنوان یک نظام توفیق یابد و به عبارتی تداوم و استمرار یافته و حفظ شود بایستی موارد مذکور از جمله نیازهای مشترک بشری را سامان دهی نماید که در این راستا به چهار کار ویژه نیاز دارد: انطباق و سازگاری با محیط و شرایط متغیر و جدید که بوسیله فعالیت نهادهای خرده نظام اقتصادی اجرایی می‌شود.

با نگاهی انتقادی به وضعیت اقتصادی جامعه و بر اساس تئوری تورم رکودی مشخص خواهد شد که یکی از اساسی‌ترین عوامل تاخیر ازدواج در میان جوانان بخصوص در روستاهای کشور نا سازگاری نیازها با محیط و ضعف در مدیریت اقتصادی جامعه است. به طوری که افزایش مشکلات اقتصادی، و مولفه‌های مهم تورم رکودی چون، تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف گرایی و افزایش سطح انتظارات اثرات منفی بر سن ازدواج جوانان گذاشته و موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی در سرا راه ازدواج جوانان بوجود آورده است.

مهمترین نیازی که پیش از ازدواج می‌بایست با محیط فرد سازگار شود وضعیت اشتغال اوست. بنابراین شغل در سن ازدواج بسیار موثر است. جوانان غالباً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند از عهده‌ی تامین معاش خانواده طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود برخوردار خواهند شد و چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی مثلاً بیست تا بیست و پنج سالگی درآمد کافی داشته باشند لذا نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند.

از آنجائی که در زمینه انطباق میان نیازمندی به شغل و محیط روستایی در ایران مدیریت و برنامه‌ریزی بسیار ضعیفی اعمال شده است و نظام مشاغل جدید نیز در برابر مشاغل سنتی آن طور طراحی شده که عموماً از کانال نظام آموزشی می‌گذرد که خود سالهای طولانی وقت در نهادهای مربوطه را می‌طلبد پدیده مهاجرت پسران روستایی به شهرها اتفاق می‌افتد.

دومین کارویژه یک نظام اجتماعی از نظر پارسنز دستیابی به اهداف یا هدف جوئی است. افراد جامعه به دنبال هدفهایی هستند که یک نظام اجتماعی باید از طریق خرده نظام سیاسی خویش آنها را مشخص کند و افراد جامعه را به سمت دستیابی به آنها هدایت نماید.

این اتفاق هنگامی رخ می‌دهد که جامعه براساس اصل اول جامعه‌شناسی یعنی اصل اهداف و راهها (G.M.G) بتواند اهداف مشترک فرهنگی جامعه و راههای وصول به آنها را مشخص نماید تا جامعه در حالی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد.

رابرت کی مرتن - معتقد است که بی‌سامانی و ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که هماهنگی میان راهها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود جامعه ناسالم خواهد بود.

یکی از هدف‌های مشخص شده در جامعه تشکیل خانواده و ازدواج است که در خود اهداف و کارکردهای آشکار و پنهان فراوانی را نهفته دارد و این جامعه است که وظیفه دارد در راه نظم اجتماعی وسایل و راههای رسیدن به این هدف معنوی را در اختیار اعضاء خود و نیروی جوان جامعه قرار دهد، چنانچه افراد جامعه در هنگام سن ازدواج با مشکلاتی ناشی از عدم هماهنگی بین راهها و اهداف مانند برنامه ریزیهای ضعیف آموزشی و مدیریت ناتوان در بخش اشتغال روبرو شوند از تشکیل نهاد خانواده باز خواهند ماند و این ساخت مهم اجتماعی را در چار بحران و ناسامانی "آنومی" می‌سازد.

بر اساس تئوری سنخ‌های ایده آل "ماکس وبر"، ازدواج به‌عنوان یک هدف ارزشی، عاطفی و یا حتی سنتی در جامعه اسلامی امروز ایران مطرح می‌شود. اما راهها و امکانات رسیدن به آن کاملاً "عقلانی و بر اساس اهداف و شرایط متغیر و مصرف‌گرایانه نظام سرمایه داری در جهان امروز استوار شده است. به‌طوریکه نسل جوان امروز ایران در میان ارزش‌های معنوی و انتظارات مادی تعیین شده توسط جامعه، در رابطه با ازدواج در پربشانی بسر می‌برد.

بنابراین بر اساس آنچه از تلفیق نظریه‌های تالکوت پارسنز، ماکس وبر و رابرت کی مرتن بدست می‌آید می‌توان نتیجه گرفت که در روستاهای ایران امکان دستیابی به راهها و وسایل مورد نیاز در جهت وصول به هدف ارزشمند، و پر اهمیت ازدواج بسیار ضعیف است و در بین هدف و راهها ی رسیدن به آن گسست قابل تاملی ایجاد شده است. که در میان دختران و جنس مونث نمود بسیار بحران زایی از خود نشان می‌دهد چرا که زنان جامعه روستائی به دلیل نداشتن استقلال و آزادی‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه مرد سالار و پدر سالار حاکم بر جوامع روستایی ایران امکان نوآوری، شورش و گرایشات انحرافی را کمتر داشته و بیشتر در قلمرو هم‌نوایان و رسم‌گرایان و منزویان جامعه قرار می‌گیرند. یعنی این امکان و آزادی را ندارند که همانند پسرها در راستای کسب تخصص و شغل مهاجرت کنند و با محدودیت‌های فراوانی روبرو هستند. در مورد این موضوع مباحثی در قالب نظریه‌های فمینیستی وجود دارد که به مساله تبعیض علیه زنان می‌پردازد، که عدم دسترسی جنس مونث به فرصتهایی که در اختیار مردان است یکی از مهمترین مباحث آنان است. که در مورد موضوع پیش روی می‌توان به اختیار و آزادی پسرهای روستایی در زمینه مهاجرت به شهرها و استقلال آنها اشاره نمود. حقی که هیچ‌گاه زنان از آن

برخوردار نبوده‌اند چرا که یا تحت سلطه پدر و برادران خویش زندگی می‌کنند و یا تحت سلطه شوهر و پسران.

هنگامی که پسران روستایی در راه کسب علم، تخصص و شغل مناسب به شهرها مهاجرت می‌نمایند و با یک تحرک طبقاتی صعودی به پایگاه اجتماعی بالاتری ارتقاء می‌یابند، دایره همسرگزینی آنها نیز گسترده‌تر می‌شود، بنابراین دیگر حاضر نیستند با دخترانی در اقصا و طبقات پائین‌تر خود در روستاها ازدواج نمایند و طبق نظریه همسان همسری، متمایل به ازدواج با دختران شهری می‌شوند.

سومین کارویژه یک نظام اجتماعی از نظر پارسنز، ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی است. هر جامعه‌ای به موجب نظام حقوقی خود بایستی روابط اجزاء درونی خود را بر اساس هنجارها و قراردادهای نهادینه شده به نظم درآورد.

وبالآخره آخرین، کارویژه یک نظام اجتماعی از نظر پارسنز، حفظ الگو و ابقاء است. یک نظام اجتماعی بایستی خود را بر اساس نظام ارزشهای فرهنگی فراگیر (مذهب و خانواده) که توافق و اجماع عمومی بر پایه آن استوار شده است، نگاه دارد. و الگوهای فرهنگی را همراه با انگیزه‌های افراد احیاء نموده تا انگیزه‌ها حفظ شود.

بالا رفتن سن ازدواج دختران روستایی، جدای از اینکه اثرات جبران ناپذیری از لحاظ روانی و اجتماعی و حتی زیستی در سطح فردی از خود بجای می‌گذارد که در سطح جامعه و در ارتباط با دو کار ویژه مذکور نیز آثار و آسیب‌های فراوانی خواهد داشت.

یعنی هرگاه پایه‌های خانواده به‌عنوان سلولهای سازنده ساختار و نظام اجتماعی سست گردد، انگیزه‌ها و الگوهای فرهنگی دیگر توان حفظ الگوها و هنجار سازی و نهادینه نمودن آنها را در جریان جامعه پذیری نخواهد داشت و انسجام و بقاء جامعه با بحران روبرو می‌گردد.

## منابع و مأخذ:

- آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۷۶ (نظریه جامعه‌شناسی)، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- جمشید، بهنام، ۱۳۴۸ (جمعیت‌شناسی عمومی)، تهران: انتشارات دانشگاه، چاپ اول.
- بیرو، آلن، ۱۳۷۰ (فرهنگ علوم اجتماعی)، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ دوم.
- بودن، ریمون، ۱۳۷۳ (تحرک اجتماعی)، ترجمه مومن کاشی، کتاب جامعه پژوهشی، گناباد: نشر مردبیز.
- تقوی، نعمت‌اله، ۱۳۷۴ (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده)، تبریز: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- تقوی، مهدی، ۱۳۷۵ (تورم رکودی)، تهران: مؤسسه اطلاعات سیاسی اقتصادی.
- تقوی، مهدی، ۱۳۷۶ (دلایل تورم رکودی در ایران) تهران: مؤسسه اطلاعات سیاسی اقتصادی.
- تنهایی ح. ا. "جامعه‌شناسی نظری"، تهران: بهمن‌برنا، ۱۳۸۲.
- ریتزر، جورج، ۱۳۷۴ (نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر)، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۵ (کندو کاوها و پنداشتها)، تهران: انتشارات سهامی.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰ (دایره‌المعارف علوم اجتماعی)، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- ساروخانی، باقر ۱۳۷۵ (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده)، تهران: انتشارات سروش.
- ساروخانی، باقر ۱۳۷۳ (روشهای تحقیق در علوم اجتماعی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، جلد اول، چاپ دوم.
- سگالن، مارتین، ۱۳۷۰ (جامعه‌شناسی تاریخی خانواده)، ترجمه حمید الیاسی، تهران: انتشارات مرکز.
- صدیق اورعی، غلامرضا، ۱۳۷۸ (مسائل اجتماعی جوانان)، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فرداد، محمد حسین، ۱۳۶۸ (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تحول و تکامل جامعه)، تهران: انتشارات آرام.
- کوئن، بروس، ۱۳۷۳ (مبانی جامعه‌شناسی) ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات سمت.
- کیوی، ریمون و لوک وان، کامپنهود، ۱۳۷۸ (روش تحقیق در علوم اجتماعی)، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- محسنی، منوچهر، ۱۳۷۴ (جامعه‌شناسی عمومی)، تهران: کتابخانه طهوری.
- میشل، آندره، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، انتشارات دانشگاه تهران.
- منصور فر، کریم ۱۳۶۹ (روشهای آماری)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هلاکوئی، فرهنگ، ۱۳۶۵ (جامعه‌شناسی امروز)، انتشارات جلالی.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی